فصلنامه ایده های نوین روانشناسی
دوره ۵، شماره ۹، تابستان سال ۱۳۹۹

رابطه شیوه‌های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه

فاطمه خلیلی[۱]

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران است. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر متوسطه مقطع دوم شهر تهران در سال ۱۳۹۹ تشکیل دادند، که از میان آنها، تعداد ۲۵۷ نفر با روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از: پرسشنامه شیوه های فرزندپروی (بامریند، ۱۹۹۱) و موفقیت تحصیلی (صالحی، ۱۳۹۲) که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS در دو بخش توصیفی و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون، و رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت. نتایج نشان داد که بین سبک اقتدار منطقی با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه و سبک آزادگذار با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بنابراین از آنجایی که خانواده و الگوی تربیتی آن نقش مهمی در شکل گیری عادات و رفتارهای فرزندان دارد، به نظر می رسد تحول در شیوه های فرزندپروری بتواند به عنوان یکی از عوامل افزایش موفقیت تحصیلی فرزندانشان باشد.

واژگان کلیدی: شیوه های فرزندپروری، موفقیت تحصیلی، دانش آموزان

[۱] ارشد مشاوره، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران (نویسنده مسئول) fatemehkhalili.1396@gmail.com

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

مقدمه

خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین کودک و محیط اطراف او را به وجود می آورد و کودک در خانواده پندارهای اولیه را در مورد جهان فرا می گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می یابد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می گیرد و سرانجام نگرش ها، اخلاق و روحیاتش شکل گرفته و آن را در ارتباط با محیط، در عمل و در برقراری ارتباط با دیگران نشان می دهد، بنابراین شیوه رفتار والدین، به خصوص مادران با فرزندان می تواند در رشد و سلامت جسمانی و روان شناختی کودک اثر گذارد (گرالسکی و جانکوواسکا[1]، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر شیوه فرزندپروری و کیفیت رابطه والد-کودک اثر معناداری روی شاکامی، بهزیستی و پیشرفت و موفقیت تحصیلی افراد دارد. شیوه فرزندپروری، عاملی تعیین کننده و اثرگذار است که نقش مهمی را در آسیب شناسی روانی و رشد کودکان ایفا می کند (دیاکونو-گراسیم و میارین[2]، ۲۰۱۶). فرزندپروری به روش ها و رفتارهای ویژه گفته می شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تاثیر می گذارند. در واقع، پایه و اساس شیوه فرزندپروری بیانگر تلاش های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (فیلیپس، کونرز و کورتنر-اسمیت[3]، ۲۰۱۷). نوع برخورد والدین در قالب و رفتارهای متنوع، بهنجار و طبیعی که به منظور کنترل و اجتماعی کردن فرزند خود به کار می برند، سبک های فرزندپروری نامیده می شود (لی، چیو، کویی، ژاو و لی[4]، ۲۰۱۸). به طور کلی در جامعه با سه نوع سبک خانواده روبرو هستیم: والدین دارای اقتدار و قاطع، والدین مستبد و والدین سهل گیر. بر اساس نظریه های بامریند[5] (۱۹۹۱)، اریکسون[6] (۱۹۹۴) و شیفر[7] (۱۹۹۶) دو بعد در تربیت فرزندان اهمیت دارد: پذیرش در برابر طرد کردن و سخت گیری در برابر آسان گیری. در واقع شیوه هایی که مادران برای تربیت کودک خود انتخاب می کنند تا حدودی بستگی به عقایدشان درباره رشد و خصوصیاتی که به اعتقاد آنان لازم است کودک کسب کند دارد (بروسنان، کولوبینسکی و اسپادا[8]، ۲۰۲۰). بر اساس این دو بعد ۴ شیوه فرزندپروری وجود داد: شیوه استبدادی که از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و بسیار محدودکننده هستند (یانگ و ژائو[9]، ۲۰۲۰). روش مقتدرانه کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب را شامل می شود والدین مقتدر صمیمی و دلسوز و نسبت به نیازهای کودک حساس هستند (تقی لو، ۱۳۹۶). شیوه سهل انگارانه مهرورز و پذیرا هستند ولی متوقع نیستند و شیوه بی اعتنا، پذیرش و روابط خوب کم را با کنترل کم و بی تفاوتی کلی نسبت به استقلال دادن ترکیب می کند. والدین در این شیوه از لحاظ هیجانی کناره گیر و جدا هستند (مافتی، هولمن و کارلیگ[10]، ۲۰۲۰). پورسینا، احمدی و شفیع آبادی (۱۳۹۲)، پژوهشی تحت عنوان تاثیر شادکامی بر اضطراب، پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد-فرزندی در دانش آموزان دختر انجام دادند. نتایج نشان داد که مداخله به روش شادکامی و مثبت اندیشی، بر مولفه های اضطراب آشکار، اضطراب پنهان و پیشرفت تحصیلی تاثیر داشته است. همچنین آموزش شادکامی بر ارتباط والد-فرزندی مادر موثر بوده، ولی بر رابطه والد-فرزندی پدر اثری نداشته است. با توجه به این که شادکامی به سادگی در زندگی قابل استفاده است به عنوان یک روش مناسب و اثربخش در کاهش اضطراب و افزایش پیشرفت تحصیلی معرفی می شود که ممکن است موجب بهبود روابط والد فرزندی نیز بشود. همچنین نتایج پژوهش زهره ای (۱۳۸۹) نشان داد که شیوه فرزندپروری مستبدانه با اضطراب اجتماعی، اجتناب اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی و نیز با موفقیت تحصیلی رابطه منفی داشت. شیوه فرزندپروری مقتدرانه با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت داشت. شیوه فرزندپروری سهل گیرانه با موفقیت

---

1 - Gralewski & Jankowska
2 - Diaconu-Gherasim & Măirean
3 - Phillips, Conners & Curtner-Smith
4 - Lei, Chiu, Cui, Zhou, & Li
5 - Baumrind
6 - Ericsson
7 - Shiffer
8 - Brosnan, Kolubinski & Spada
9 - Yang & Zhao
10 - Maftei, Holman & Cârlig

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

تحصیلی رابطه معناداری نداشت. آکا و گنکوز[1] (۲۰۱۴) در پژوهش خود در مورد روابط میان حمایت دریافت شده از سوی والدین برای رفع نیازها، شادکامی نوجوانان برای تحصیلات و بهزیستی آنان پرداختند. نتایج نشان داد که حمایت والدین می توانند برای رفع نیازهای بهزیستی نوجوانان را پیش بینی کنند و میزان شادکامی نوجوانان را افزایش دهند. استیل و مک کنی[2] (۲۰۱۸)، نیز در پژوهش خود نشان می دهند که سبک فرزندپروری قاطعانه رابطه خوبی با سطح بالای موفقیت تحصیلی و مهارت های مطالعه دارد.

یکی از عوامل مرتبط با شیوه های فرزندپروری والدین در دانش آموزان، موفقیت تحصیلی است. معیارهای اصلی کارایی هر نظام آموزشی به ویژه نظام آموزش و پرورش میزان موفقیت تحصیلی و ایجاد نگرش ها و باورهای مثبت در دانش آموزان است (یانگین ارسانل[3]، ۲۰۱۵). نظریه های جدید آموزش و یادگیری بر نقش انگیزش و باورهای فرد تاکید زیادی می کنند و معتقدند که نباید دانش آموز را در برابر مطالب و مفاهیم قرار داد، بلکه باید با آموزش های لازم دانش آموزان را به فعالیت واد داشت و از این طریق هم باعث موفقیت تحصیلی و هم باعث ایجاد، نگرش، شادکامی و باور مثبت در آنان شد (جاکوبز، بیمیش و مک کی[4]، ۲۰۲۰). موفقیت تحصیلی به معنای توانایی اثبات موفقیت در اکتساب پیامدی است که برای آن طرح ریزی و برنامه ریزی شده است (گولدنر، فوئربورن و مرل[5]، ۲۰۲۰). موفقیت تحصیلی از مهمترین دغدغه های نظام آموزشی ونشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف یابی و توجه به رفع نیازهای فردی می باشد. بنابراین نظام آموزشی را زمانی می توان موفق و کارآمد دانست که موفقیت تحصیلی دانش آموزان آن به بیشترین و بالاترین رقم برسد (فولادی، کجباف و قمرانی، ۱۳۹۷). مهمترین نشانه موفقیت نظام آموزشی در رسیدن به اهداف، میزان موفقیت تحصیلی دانش آموزان می باشد. دانش آموز با کسب موفقیت تحصیلی مورد تایید و پذیرش همسالان، معلمان و والدین قرار می گیرد و شادکامی و احساس کفایت و لقایت او بیشتر می شود. در مقابل فرد با شکست تحصیلی به توانایی و کفایت خود شک می کند و احساس بی کفایتی، بی لیاقتی و حقارت می کند و از ادامه تحصیل و یادگیری باز می ماند (ازر و اکگان[6]، ۲۰۱۵؛ فان و نگو[7]، ۲۰۱۴). در در همین رابطه داتو، کینگ و والدز[8] (۲۰۱۷)، پژوهشی تحت عنوان رابطه بین پاداش های تحصیلی و شادکامی به عنوان پیش پیش بینی کننده های موفقیت تحصیلی در دانش آموزان انجام دادند. نتایج نشان داد که بین پاداش تحصیلی و موفقیت تحصیلی در دانش آموزان رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین بین شادکامی و موفقیت تحصیلی رابطه مثبت بود. به عبارتی پاداش تحصیلی و شادکامی می توانند میزان موفقیت تحصیلی در دانش آموزان را پیش بینی کنند.

در این مطالعه محقق علاقه مند به بررسی رابطه میان تجارب کودکی از شیوهای فرزندپروری والدین و اثرات آن بر موفقیت تحصیلی دانش آموزان است. فرض محقق بر این است که با تعیین تاریخچه شیوه های فرزندپروری تاثیر حاضر این تجربیات بر موفقیت تحصیلی می تواند افزایش یابد چرا که پژوهش ها حاکی از آن هستند که شیوه های فرزندپروری صفاتی ایستا نیستند؛ رفتارها، انتخاب ها و تعاملات سالم قابل حدوث می باشند (فینی، پاسمور و پترسون[9]، ۲۰۱۲)؛ ادراک نادقیق فرزندپروری به محض شناسایی قابل تغییر می باشند. بدین ترتیب با این رویکرد که در فرآیند درک تجربیات کودکی، متخصصان می توانند والدین را در شکستن چرخه های مختل کمک کرده و نزدیکی هیجانی را تقویت نمایند تا فرد به والدینی بهتر برای فرزندان خویش تبدیل شوند، لذا، پژوهش حاضر قصد دارد تا در نهایت به این سوال کلی پاسخ دهد که بین شیوه های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی دانش آموزان متوسطه چه رابطه ای وجود دارد؟

---

1 - Aka & Gencoz
2 - Steele & McKinney
3 - Yangin Ersanl
4 - Jacobs, Beamish & McKay
5 - Gueldner, Feuerborn & Merrell
6- Ozer & Akgun
7 - Phan & Ngu
8 - Datu, King & Valdez
9 - Feeney, Passmore & Peterson

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

روش‌شناسی

روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی؛ برحسب زمان اجرای پژوهش، مقطعی؛ برحسب نوع داده، کمی، برحسب روش گرداوری داده‌ها و یا ماهیت و روش پژوهش، توصیفی-همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر متوسطه مقطع دوم شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹، که مشغول به تحصیل بودند، تشکیل دادند. در این پژوهش از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای استفاده شد به این صورت که ابتدا از بین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران ۴ منطقه انتخاب و از هر منطقه ۲ دبیرستان دخترانه سپس از هر مدرسه کلاس های دوم به طور تصادفی انتخاب شد و طبق فرمول کوکران ۲۵۷ دانش آموز انتخاب گردیدند و به پرسشنامه ها پاسخ دادند. جهت رعایت اصول اخلاقی ابتدا به کلیه آزمودنی ها در مورد هدف مطالعه توضیح داده شد. سپس بیان خواهد شد که نیازی به نوشتن نام در پرسشنامه ها نبوده و صرفا کدگذاری استفاده شد و به این شکل محرمانه بودن و حفظ آنها و تحلیل جمعی اطلاعات مطرح شد. در پایان شماره تماس ارائه شد تا افرادی که تمایل به دستیابی به نتایج پرسشنامه ها داشته باشند با تماس از نتایج پرسشنامه خود آگاه شوند.

ابزارهای پژوهش:

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱): این پرسشنامه بر اساس نظریه بامریند، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می شوند. در این پژوهش آزمودنی باید شیوه ادرک فرزندپروری والدین خود را با مطالعه هر ماده، با علامت بر حسب یک مقیاس ۵ درجه ای (کاملا مخالفم، مخالفم، تقریبا مخالفم، موافقم و کاملا موافقم) مشخص کند که به ترتیب از صفر تا ۴ نمره گذاری شده و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می آید. بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی پدران گزارش نمود. در پژوهش جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۴) ضریب اعتبار پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند ۰/۹۳۴ برای اقتدار منطقی و ۰/۹۱۰ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۹۰ برای شیوه آزادگذاری به دست آمد.

پرسشنامه موفقیت تحصیلی صالحی (۱۳۹۲): این پرسشنامه توسط صالحی در سال ۱۳۹۲ طراحی شد. این ابزار دارای ۲۰ گویه است که با استفاده از مقیاس ۶ درجه ای لیکرت از یک تا شش نمره گذاری می شود. نمره این ابزار با جمع کردن نمره گویه ها بدست می آید (دامنه نمرات بین ۲۰ تا ۱۲۰ قرار دارد) و هر چه نمره آزمودنی بیشتر باشد، موفقیت تحصیلی وی بیشتر است. روایی محتوایی و صوری ابزار توسط ۸ تن از استادان دانشگاه اصفهان پس از ۲ بار اصلاح تایید شد. علاوه بر آن روایی ابزار به روش همسانی درونی یعنی همبستگی هر گویه با کل ابزار مناسب گزارش شد. همچنین پایایی ابزار با روش های آلفای کرونباخ و بازآزمایی دو هفته ای به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۱ برآورد شد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست آمده از اجرای پرسشنامه ها از طریق نرم افزار spss20 در دو بخش توصیفی و استنباطی (همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه) انجام پذیرفت.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی مقیاس های پژوهش در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱. یافته‌های توصیفی خرده‌مقیاس‌های پژوهش

مقیاس	شاخص آماری	میانگین	انحراف استاندارد
سبک آزادگذار		۲۹.۹۶	۳.۳۱
سبک استبدادی		۲۷.۴۹	۳.۱۵
سبک اقتدار منطقی		۳۰.۰۱	۴.۵۰

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

موفقیت تحصیلی	۵۴.۶۵	۶.۰۰

نتایج جدول ۱ نشان می دهد در شیوه های فرزندپروری بیشترین میانگین مربوط به سبک اقتدار منطقی است.

جدول ۲. نتایج رگرسیون عوامل شیوه های فرزندپروری بر موفقیت تحصیلی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	R	R^2	R^2_{adj}	sig
رگرسیون	۶۶۶۳.۱۹	۳.۰۰	۲۲۲۱.۰۶	۲۶.۴۹	.۴۸	.۲۳	.۲۲	.۰۰۱
باقیمانده	۲۱۲۱۵.۳۸	۲۵۳.۰۰	۸۳.۸۶					
کل	۲۷۸۷۸.۵۷	۲۵۶.۰۰						

همان طور که در جدول مشاهده می‌شود مقدار sig کمتر از ۰/۰۵ شده است و نشان از معنی دار بودن مدل رگرسیون می باشد، یعنی حداقل یکی از متغیرهای پیش بین بر متغیر ملاک تاثیر معنادار دارد.

شاخص R^2 (ضریب تعیین چندگانه): این شاخص مشخص می کند که چند در صد از تعیرات متغیر ملاک توسط متعیرهای پیش بین تبیین می شوند به عبارت دیگر متغیرهای پیش بین چند در صدتوانایی برازش متغیر وابسته را دارند. در این پژوهش مقدار R^2 برابر ۰/۲۳ شده است به این معنا که عوامل شیوه های فرزندپروری ۲۳ درصد توانایی پیش بینی موفقیت تحصیلی را دارند و ۷۷ درصد باقیمانده مربوط به سایر عوامل می باشد.

شاخص R^2_{adj} (ضریب تعیین تصحیح شده): این شاخص توانایی پیش بینی متغیر وابسته را توسط متغیر های پیش بین در جامعه بررسی می کند در واقع با کمی تعدیل، نمونه را به تمام جامعه بسط می دهد.مقدار این ضریب در این پژوهش ۰/۲۲ شده است، یه عبارت دیگر مولفه های شیوه های فرزندپروری ۲۲ درصد توانایی پیش بینی موفقیت تحصیلی را دارند.

با توجه به معنادار بودن کل مدل اکنون باید بررسی کرد که کدام یکی از ضرایب صفر نیست و یا به عبارت دیگر کدام متغیر یا متغیرها تاثیر معنادار در مدل دارند. به این منظور از آزمون t استفاده می شود.

جدول ۳. ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و آماره تی متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون

متغیر پیش بین	ضرایب رگرسیون		آماره t	sig	سطح معناداری مورد نظر
	استاندارد نشده	استاندارد شده			
مقدار ثابت	۳۴.۳۳		۴.۳۵	۰.۰۰۱	.۰۵
سبک استبدادی	۰.۰۱	۰.۰۱	۰.۰۲	۰.۹۸	.۰۵
سبک آزادگذار	-۰.۵۱	-۰.۱۶	-۲.۹۱	۰.۰۰۱	.۰۵
سبک اقتدار منطقی	۱.۰۱	۰.۴۴	۷.۷۴	۰.۰۰۱	.۰۵

همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد عوامل سبک اقتدار منطقی و سبک آزادگذار با موفقیت تحصیلی در سطح ۵ درصد رابطه معنادار دارند. در نهایت معادله استاندارد رگرسیون را باید بامتغیرهایی در تظر گرفت که تاثیر معناداری بر مدل دارند و متغیرهایی که تاثیر معنادار بر مدل ندارند از معادله رگرسیون حذف می شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف رابطه شیوه های فرزندپروری (استبدادی، آزادگذار و منطقی) با موفقیت تحصیلی در دانش آموزان مقطع متوسطه انجام شد. نتایج نشان داد که عوامل سبک اقتدار منطقی و سبک آزادگذار با موفقیت تحصیلی در سطح ۵ درصد رابطه معنادار دارند. . نتایج بدست آمده با پژوهش های سرپولکی و کلاهی (۱۳۹۵)، جعفرزاده و همکاران (۱۳۹۴) همسو می باشد. نتایج تحقیقات آنان نشان داد که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با موفقیت تحصیلی و شادکامی رابطه منفی

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

معنادار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل با یافته های پژوهشی آنولا و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند بین شیوه تربیتی والدین با میزان موفقیت تحصیلی و شادکامی نوجوانان ارتباط وجود دارد، نیز مطابقت دارد. در راستای نتایج بدست آمده زهره ای (۱۳۸۹)، پژوهشی تحت عنوان رابطه بین شیوه های فرزندپروری، اضطراب اجتماعی و موفقیت تحصیلی انجام داد. نتایج نشان داد که شیوه فرزندپروری مستبدانه با اضطراب اجتماعی، اجتناب اجتماعی و ترس از ارزیابی منفی و نیز با موفقیت تحصیلی رابطه منفی داشت. شیوه فرزندپروری مقتدرانه با موفقیت تحصیلی رابطه مثبت داشت. شیوه فرزندپروری سهل گیرانه با موفقیت تحصیلی رابطه معناداری نداشت. در تبیین این یافته می توان گفت که روش تربیتی روشی است که والدین ترکیب متعادلی از پذیرش و کنترل را در برخورد با فرزندان به کار ببندند. به زغم آنولا (۲۰۰۰) تشویق مثبت و مداوم فرزندان در شیوه تربیتی مقتدرانه ممکن است موجب افزایش انگیزه درسی نوجوانان در جهت موفقیت تحصیلی شود. به علاوه در این شیوه والدین رفتار مستقل را در نوجوانان تقویت می کنند و با آموزش و حمایت و الگو بودن برای فرزندان، راه کارهای دستیابی به موفقیت را در آنها تقویت می نمایند. به عبارتی اقتدار منطقی والدین به طور معنی داری با تعهد والدین در امور تحصیلی دانش آموزان و تشویق دانش آموزان مرتبط است. این الگوی ارتباط این نکته را تایید می کند که رابطه بین شیوه اقتدار منطقی والدین و موفقیت های تحصیلی دانش آموزان، قابل اسناد به سطوح بالای تعهد و الزام درگیری والدین و تشویق های تربیتی آنها که از مشخصات والدین دارای اقتدار منطقی است، می باشد. در مقابل والدین استبدادی فاقد ویژگی های ذکر شده می باشند. میزان سبک فرزندپروری سهل گیر هم بعد از سبک مقتدرانه بالاتر بود. در این زمینه نیز چنین مطرح می شود که حمایت و پاسخدهی والدین می تواند عامل موثری در موفقیت تحصیلی تلقی شود. والدین سهل گیر توجهی به نمرات درسی فرزندان خود ندارند و یا اگر دارند واکنش منفی در برابر آن نشان می دهند، هیچگونه نظم و قاعده ای برای اوقات فراغت و مدت زمان تماشای تلویزیون فرزندان در نظر نمی گیرند و بر انجام تکالیف درسی فرزندان نظارتی ندارند و آنها را کنترل نمی کنند (سرپولکی و کلاهی، ۱۳۹۵). از سویی کنترل کم والدین سبب می شود فرزندان احساس نمایند که می توانند به هر طریقی عمل کنند و چارچوب هایی نیز برای آنها اعمال نمی شود، در نتیجه عامل باعث می شود که نسبت به تکالیف خود بی تفاوت بوده و کوشا نباشند. بنابراین با توجه به این که سبک فرزندپروری مقتدرانه با بیشترین میزان موفقیت تحصیلی در ارتباط بود لذا آگاهی والدین در این زمینه می تواند باعث ارتقا موفقیت تحصیلی فرزندانشان شود (ماکسیمو و کارانزا، ۲۰۱۶). به عبارتی والدین دارای اقتدار منطقی در درجه بالایی از گرم بودن برخوردارند و به نیازهای عاطفی و روانی فرزندانشان پاسخ داده و بیشتر پذیرنده فرزندان خود هستند در مقابل والدین دارای شیوه استبدادی فاقد این خصوصیات هستند (دونیتا و ماریا، ۲۰۱۵). همچنین در تبیین دیگر نتایج بدست آمده می توان گفت والدین منطقی که پاسخگوی احساسات و عواطف فرزندان خود هستند و از پیشرفت تحصیلی آنان حمایت می کنند، نقش موثر در موفقیت تحصیلی و شادکامی فرزندان خود دارند اما والدین سهل گیر توجهی به نمرات درسی فرزندان خود ندارند و یا اگر دارند واکنش منفی در برابر آنان نشان می دهند و بر انجام تکالیف درسی فرزندان نظارتی ندارند و آنها را کنترل نمی کنند. والدین استبدادی نیز با کنترل بیش از حد و گرمی کم سبب می شوند فرزندان مضطرب و ناسازگار باشند. در مجموع شیوه فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه به سبب رعایت نکردن اعتدال، آثار نامطلوبی بر تربیت فرزندان دارد. از این رو با قاطعیت می توان گفت که شیوه های مناسبی برای تربیت و هدایت فرزندان نیستند ولی شیوه منطقی با ویژگی های مثبت فراوان تضمین کننده پرورش توانایی ها و رساننده فرزندان به خودشکوفایی و کمال است.

از محدودیت های پژوهش می توان به این موارد اشاره کرد: این پژوهش به صورت مقطعی انجام شده است. به این دلیل، نتیجه گیری درباره علیت را دشوار می سازد. در این پژوهش تنها از پرسشنامه استفاده شده است و ابزار مشاهده و مصاحبه استفاده نشده است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می شود در زمینه آموزش روش های فرزندپروری مثبت به والدین کوشش هایی از طرف دست اندرکاران آموزش و پرورش و سایر نهادهای ذیربط صورت گیرد تا از عواقب بعدی شیوه های فرزندپروری ناسالم جلوگیری شود. این امر به نوبه خود می تواند در شکل گیری زمینه شادکامی فرزندان و رسیدن به

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

موفقیت تحصیلی نیز موثر باشد. داشتن فرزندان سالم و شاد در آینده باعث ایجاد جامعه ای سالم و شاد خواهد شد. همچنین پیشنهاد می شود والدین با حساسیت و مهربانی بیشتری به نیازها و اشارات دانش آموزان توجه کنند که این امر امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت تحصیلی را افزایش می دهد. همچنین والدین باید به هنگام تلاش برای اجتماعی کردن فر زندان خود در جهت سالم بودن، پذیرفته شدن و شاد بودن به عنوان عضوی از جامعه تشویق شوند تا بتوانند به فرزندان خود آزادی بیشتری داده و روابط بهتری را با آنها برقرار کنند.

منابع

پورسینا، مریم؛ احمدی، خدابخش و شفیع آبادی، عبدالله. (۱۳۹۲). اثربخشی شادکامی بر اضطراب، پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد فرزندی در دانش آموزان دختر. *مجله خانواده و پژوهش*، ۱۰ (۳)، ۵۴-۴۱.

تقی لو، صادق. (۱۳۹۶). مطالعه شیوه های فرزندپروری ادراک شده نوجوانان بر اساس جنسیت و سن آنان. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۱۱ (۵۱)، ۴۴۷-۴۵۹.

جعفرزاده، ناصر؛ فرخی، نورعلی و سهرابی اسمرود، فرامرز. (۱۳۹۴). رابطه شیوه های فرزندپروری و تاب آوری با شادکامی دانش آموزان. *فصلنامه روان شناسی تربیتی*، ۳۷ (۱۱)، ۸۱-۶۷.

زهره ای، هاجر. (۱۳۸۹). *رابطه بین شیوه های فرزندپروری، اضطراب اجتماعی و موفقیت تحصیلی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنان.

سرپولکی، بیتا و کلاهی، پریسا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه شادکامی، ویژگی های شخصیتی و شیوه های فرزندپروری مادران با سلامت روان فرزندان. *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ۲ (۴)، ۸-۱.

Aka, B. T., & Gencoz, T. (2014). Perceived parenting styles, emotion recognition and regulation in relation to psychological well-being. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *159*, 529-533.

Brosnan, T., Kolubinski, D. C., & Spada, M. M. (2020). Parenting styles and metacognitions as predictors of cannabis use. *Addictive behaviors reports*, *11*, 100259.

Datu, J. A. D., King, R. B., & Valdez, J. P. M. (2017). The academic rewards of socially-oriented happiness: Interdependent happiness promotes academic engagement. *Journal of school psychology*, *61*, 19-31.

Diaconu-Gherasim, L. R., & Măirean, C. (2016). Perception of parenting styles and academic achievement: The mediating role of goal orientations. *Learning and Individual Differences*, *49*, 378-385.

Doinita, N. E., & Maria, N. D. (2015). Attachment and parenting styles. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *203*, 199-204.

Fan, J., & Zhang, L. F. (2014). The role of perceived parenting styles in thinking styles. *Learning and Individual Differences*, *32*, 204-211.

Feeney, J.; Passmore, N.; Peterson, C. (2012). Adoption, attachment, and relationship concerns: A study of adult adoptees. Personal Relationships, 14, 129-147

Gralewski, J., & Jankowska, D. M. (2020). Do parenting styles matter? Perceived dimensions of parenting styles, creative abilities and creative self-beliefs in adolescents. *Thinking Skills and Creativity*, *38*, 100709.

Gueldner, B. A., Feuerborn, L. L., & Merrell, K. W. (2020). *Social and emotional learning in the classroom: Promoting mental health and academic success*. Guilford Publications.

Jacobs, P., Beamish, W., & McKay, L. (2020). Please listen to us: Adolescent autistic girls speak about learning and academic success. *Improving Schools*, 1365480220973112.

Lei, H., Chiu, M. M., Cui, Y., Zhou, W., & Li, S. (2018). Parenting Style and Aggression: A

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]

Meta-Analysis of Mainland Chinese Children and Youth. *Children and Youth Services Review, 94*, 446-455.

Maftei, A., Holman, A. C., & Cârlig, E. R. (2020). Does your child think you're happy? Exploring the associations between children's happiness and parenting styles. *Children and Youth Services Review, 115*, 105074.

Maximo, S. I., & Carranza, J. S. (2016). Parental attachment and love language as determinants of resilience among graduating university students. *Sage Open*, *6*(1), 2158244015622800.

Ozer, E. A., & Akgun, O. E. (2015). The effects of irrational beliefs on academic motivation and academic self-efficacy of candidate teachers of computer and instructional technologies education department. *Journal of Social and Behavioral Sciences*, 197, 1287-1292

Phillips, B. A., Conners, F., & Curtner-Smith, M. E. (2017). Parenting children with down syndrome: An analysis of parenting styles, parenting dimensions, and parental stress. *Research in developmental disabilities*, *68*, 9-19.

Steele, E. H., & McKinney, C. (2018). Emerging adult psychological problems and parenting style: Moderation by parent-child relationship quality. *Personality and Individual Differences*.

Yang, J., & Zhao, X. (2020). Parenting styles and children's academic performance: Evidence from middle schools in China. *Children and Youth Services Review*, *113*, 105017.

Yangin Ersanl, C. (2015). The relationship between students' academic selfefficacy and language learning motivation: a study of 8th graders. *Journal of Social and behavioral Science*, 199, 472-478.

[Downloaded from jnip.ir on 2026-10-17]